

تعطیلات دو هفته‌ای با همه ابهامات و اشکالاتش می‌تواند فرصتی برای مهار کرونا باشد

# تعطیلات با پایان باز

۱۸

آیا ۴ داروی گیاهی مجوز گرفته از سازمان غذا و دارو می‌تواند این بیماری را از بین ببرد؟

## واقعیت‌های درمان گیاهی کرونا

همه‌گیری ویروس کرونا که در دنیا آغاز شد، بسیاری از محققان و دانشمندان دست به‌کار شدند تا دارو و واکسنی برای پیشگیری و درمان کووید-۱۹ پیدا کنند. در ابتدا برای سرعت بخشیدن به امر درمان، محققان سراغ داروها و درمان‌های موجود برای بیماری‌های دیگر و اثربخش بودن آنها در درمان مبتلایان به کرونا رفتند. به این واسطه، برخی داروها انتخاب شدند که ویژگی‌های آنها با درمان کرونا سازگاری داشت و از ابتدا در فهرست گزینه‌های درمانی قرار گرفتند...

۱۴-۱۵

تغییر جدول پخش شبکه‌های سیمای ۲ هفته تعطیلی برای سرگرمی بیشتر مخاطبان

## سینمای خانگی تلویزیون

مدت‌هاست که ویروس کرونا در زندگی همه مردم دنیا جنبه‌زده و قرار هم نیست رفع زحمت‌کند و چمدانش را ببندد و برود. به همین دلیل همه مردم درگیر این موضوع هستند. به‌ویژه مردم ۲۴ استان از ایران که قرار است از اول آذر محدودیت‌های رفت‌وآمد داشته باشند. اما این اتفاق بهانه‌ای نشده که دست‌اندرکاران برنامه‌های تلویزیونی کارشان را تعطیل کنند. آنها حتی با انگیزه‌تر از قبل، برنامه‌ها و سریال‌ها را می‌سازند که بهترین اوقات فراغت را برای مردم فراهم کنند تا این روزهای نسبتاً تلخ را به‌کام مردم شیرین‌تر کنند...

۶-۷

جزئیات جدید از ماجرای تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی به چهره محبوب استقلالی‌ها

## ماجرای مجیدی و واردات

۴

کاخ سفید قصد دارد با خارج ساختن نیروهای آمریکایی از عراق و افغانستان برای دولت آینده در دسر ایجاد کند

## پاتک ترامپ به بایدن

۸

گفت‌وگو با محمد خدادی معاون مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

## ۳۵۰۰۰ مدعی خبرنگاری داریم

۱۰

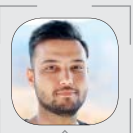
## مهاجرین افغانستانی و چند نسل بلاتکلیفی

مقتنه متفاوت از نیاز مهاجرین بود. خود حلقات مهاجرین نیز در پیگیری حقوق‌شان بیشتر رویکرد قومی داشتند تا صنفی و ملی و حتی در میان رویکرد قومی، توش و تلاش‌شان فردی بود. اگر مجموعه‌ها یا چهره‌های خاصی از جامعه میزبان نیز برای رفع این مشکل گامی برمی‌داشتند به مرور می‌دیدند تضادهای قومی، حزبی و غیره در جامعه مهاجر چنان پررنگ و قدرتمند است که گاه خادمان خود را به تصور آن‌که تمجید فلان فرد یا قوم وگروه را کرده یا نکرده، آزار می‌دادند. باری نامهربانی‌ها اگرچه همگانی نبود اما همان اندک، چنان عجیب و تلخ بود که عموم فعالان این حوزه به مرور پا پس کشیدند و جز پوسته‌ای نماند. خود مهاجران نیز زمانی پیگیر مشکلات‌شان می‌شدند که در گریبان خودشان را می‌گرفت. مثلاً فلان چهره معروف که در تمام مدت فعالیتش کلمه‌ای از همکاری دولتمد گفته و قدمی در مسیر اصلاح برنداشته و اما اگر امروز در مدرسه یا خواهرش فلان برخورد صورت گرفته، ناگهان فضای مجازی را پر می‌کند از شکایت و گلایه... و چند روز بعد هم فراموش می‌شود تا باز برای یکی از آنها مشکلی رخ دهد او دست به قلم شود. آنها صدای واحد ندارند. در طول دهه‌های گذشته واحدهای سیاسی دولت متبوع آنها نظیر سفارت یا کنسولگری‌هایشان بیشتر سعی در حذر از آنها داشته‌اند. از اواخر دولت آقای کرزی و در دولت آقای اشرف‌غنی ناگهان رویه عوض شد، اما نگاه این بار در جهت حل ریشه‌ای مشکلات مهاجرین نبود. هدف بیشتر آن بود تا از این چند میلیون تبعه مقیم، به عنوان عنصری مؤثر در روابط با تهران بهره‌برداری شود. با چنین نگاهی شما به ناچار راه به دالان‌های امنیتی خواهید برد تا مسیرهای حل معضلات اجتماعی، اما هرچه هست باید اذعان کرد در این سال‌ها به مساله مهاجرین از هر دو طرف توجه بیشتری شده است. تهران چهار دهه است میزبان (اگر نگوئیم بزرگ‌ترین، بی‌شک یکی از) بزرگ‌ترین جامعه پناهندگان جهان است. پس باید هر سه ضلع این مثلث، یعنی دولت افغانستان با نگاهی انسانی و اجتماعی، دولت ایران نیز به همین ترتیب و به نیت حل اساسی این معمای ۴۰ ساله و مهاجرین نیز با صدا و نگاهی واحد و نه از چشم‌اندازهای قومی و سیاسی برای آتیه روشن فرزندان و نسل بعدی خود هم که شده، حرکتی را آغاز کنند. مبدأ این حرکت می‌تواند قوه مقتنه ایران باشد و گویا گرچه کند، اما اتفاقاتی در حال وقوع است.

همه ارکان حکومت درخصوص حضور افغانستانی‌های غیرقانونی در ایران نگرانی‌هایی دارند. عدد آنها را تا دو میلیون گفته‌اند. چهار دهه است با این مشکل روبه‌رو هستیم و همچنان بی‌سرنوشت پیش می‌رویم. برخی از این مهاجران نواده‌هایشان به سنین دانشگاه و ازدواج رسیده‌اند و هنوز خودشان بلاتکلیفند. فکر نکنید وقتی می‌گوئیم غیرقانونی، آن ۱/۵ یا دو میلیون مهاجر دیگر که یعنی قانونی‌اند، زندگی عادی دارند. خیر، آنها هم هزار و یک گرفتاری دارند. اینجا سر آن ندارم تا به زخم این جماعت و انبوه مشکلات‌شان نیشتر بزنم، اما بر آنم چند کلمه‌ای بنویسم که چرا پس از ۴۰ سال هنوز اینجا ایستاده‌ایم و چه کنیم تا بلکه بشود گامی به پیش برداشت. مهاجران در سال‌های سخت اوایل انقلاب و جنگ، گروه گروه به ایران آمدند. ایران سال‌های آشوب در کردستان و خوزستان و ترکمن صحرا و... ایران ترور و سنگ‌رهای خیابانی، ایران گشت‌های شبانه پایگاه مساجد، ایران کویین و چهارشنبه‌های پر شهید و اقتصاد خمیده زیر بار جنگ... باری با آغوش باز اما پذیرفته شدند، ولی به سبب کمبودها و محدودیت‌های سنگین آن روزها، قوانین سختگیرانه‌ای وضع شد. مهاجرین اما از همنمی گریخته بودند که با تمام این محدودیت‌ها باز هم شاکر بودند. آنها فقط می‌خواستند زن و فرزند و خان و مان‌شان در میانه‌نبرد مجاهدین با روس‌ها گیر نینفتند. چند دهه گذشت؛ مهاجرینی که به کمترین‌ها قناعت کرده و داوطلب هر کار سختی بودند، اندک اندک صاحب سرمایه شدند. بسیاری از حالت کارگر به کارفرما تغییر ماهیت دادند. فرزندان‌شان به عرصه رسیده و برخی که فرصت تحصیل یافته بودند جایگاهی یافتند. پزشک، نویسنده، تاجر، شاعر و... شدند. آنها اکنون جامعه نخبگان افغانستانی را تشکیل می‌دادند. وضعیت مهاجرین طی دهه‌ها تغییر کرده و روشن بود که مطالبات آنها هم تغییر کند، اما قوانین همان قوانین عهد جنگ بود و مربوط به چهارده قبل. آن قوانین برای این مهاجرین نبود! همراه با تغییر کیفی جامعه مهاجر و آمیختگی آن با جامعه میزبان، قوانین بازبینی و به‌روزرسانی نشده بود. هنوز هم کشور با تحریم‌های کمرشکن روبه‌رو بود و اولویت‌های قوه



محمد حسین جعفریان کارشناس ارشد مسائل افغانستان



علیرضا افشار روزنامه‌نگار

بچه که بودم یکی از کاپوس‌های زندگی‌ام این بود که مریض شوم. معمولاً سرماخوردگی‌هایم با دل‌درد شروع می‌شد و درد از روی شکمم بالا می‌آمد و می‌آمد بالا تا این که اشک می‌شد و از چشم‌هایم می‌ریخت. اما با این همه سختی بیماری برای من دل‌درد و اشک ریختن از زور درد نبود.

کاپوس اصلی وقتی بود که قرار بود قاشق، قاشق از آن شربت زهرمار را روی زبانم حس کنم و بعد چشم‌هایم را روی هم فشار بدهم و دماغ را بگیرم و با هر ضرب و زوری که شده آن یک قاشق شربت سرماخوردگی را پایین بدهم. برای همین هم دیگر از یک جایی به بعد هر وقت مریض می‌شدم به کسی نمی‌گفتم که مبادا کارم به دکتربکشد و باز شربت سرماخوردگی و باز گرفتاری قورت دادن آن طعم تلخ که تا ساعات‌ها بعد روی زبانم حسش می‌کرد. حالا دیگر درد کرونا از روی شکم جامعه‌آمده بالا و به گلو رسیده. حالا درد کرونا، رنج از دست دادن عزیزان مان سنگ شده سر پیچ گلو و دارد خفه‌مان می‌کند. حالا دیگر خیلی وقت است به این نتیجه رسیده‌ایم که هر چه این درد را گریه کنیم و از چشم‌هایمان بیرون بریزیم افاقه نمی‌کند و باز هم رنج سر جایش هست و درد قوت می‌گیرد. وقتی ستاد ملی مقابله با کرونا بالاخره تصمیم به تعطیلی دو هفته‌ای کشور گرفت نمی‌دانستیم باید خوشحال باشیم یا ناراحت. خوشحال از این که بالاخره قرار است این شربت تلخ که آخرین راه‌مان برای نجات از این بیماری است را سر بکشیم. بلکه خدایه تلاش‌ها و دست‌پازدن‌هایمان نگاهی کرد و شر این ویروس کنده شد. و ناراحت از این که واقعا قرار است مشاغل دو هفته تعطیل باشند. این خبر حتی از طعم شربت سرماخوردگی هم تلخ‌تر است. چه پدرهایی که از الان غم‌نان خانواده‌شان گلویشان را می‌فشانند و چه کاسب‌هایی که نمی‌دانند اگر دو هفته کار نکنند، تکلیف چک‌ها و بدهی‌هایشان چه می‌شود؟ اما چه می‌توان کرد. بالاخره باید این آخرین جرعه را سر کشید بلکه این تلخی با شیرینی ریشه کن شدن این بیماری از کام مان برود.

## ضرب شست به آمریکا در بوکمال

شرق سوریه متمایل شدند و عملیات برای پاکسازی بوکمال در دستور کار قرار گرفت. عملیات بوکمال با فرماندهی حاج‌قاسم شکل گرفت. تصرف جبهه‌هایی که به صورت مستقیم تحت پوشش هوایی آمریکا بود کار سختی بود و ریسک‌پذیری بالایی داشت و عملاً منطقه زیر آتش هوایی نیروهای ائتلاف بود که هیچ ائتلاف بین‌المللی به استاندارد بین‌المللی را رعایت نمی‌کردند. انجام عملیات در آن منطقه هزینه و ریسک بالایی داشت. اما دولت سوریه و متحدانش این عملیات تاریخی را برای آزادی بوکمال انجام دادند. جنگ بوکمال جنگ با یک گروه تروریستی بود که از سوی آمریکا، رژیم صهیونیستی، کشورهای مترجع منطقه و ائتلاف بین‌المللی به اصطلاح ضد داعش حمایت می‌شد. رژیم صهیونیستی برنامه‌ریزی کرده بود ارتباط زمینی بین محور مقاومت از عراق به سوریه شکل نگیرد و حلقه این ارتباط، بوکمال بود. بنابراین پیروزی در بوکمال یعنی پایان سناریوی آمریکایی-صهیونیستی-عربی برای تضعیف محور مقاومت با ابزار داعش. وقتی عملیات بوکمال با فرماندهی مستقیم حاج‌قاسم سلیمانی انجام شد ایشان در پیامی به محضر رهبر معظم انقلاب، پایان سیطره داعش بر سرزمین‌های اسلامی را اعلام کرد و این قدرت‌نمایی بزرگی برای جمهوری اسلامی ایران، محور مقاومت، سوریه و متحدانش بود. بعد از آزادسازی بوکمال، یکپارچگی جغرافیایی داعش از بین رفت و پروژه داعش به عنوان یک جریان تکفیری تروریستی برای ایجاد خلافت فرو پاشید. باید در سالگرد این عملیات تاریخی و مهم یادی کنیم از بزرگمرد عرصه مبارزه با تروریسم و نگین شهادی محور مقاومت ژنرال حاج قاسم سلیمانی که در میدان حضور پیدا کرد و مردانه جنگید و جان خودش را در راه مبارزه با تروریسم و استکبار جهانی و رژیم صهیونیستی فدا کرد. روحش شاد و یادش گرامی باد.



عباس گارو رئیس کمیته روابط خارجی کمیسیون امنیت ملی مجلس

۳۰ سال پس از پیروزی عملیات آزادسازی منطقه استراتژیک بوکمال، هنوز ابعاد بسیار زیادی از این عملیات وجود دارد که باید به آنها پرداخته شود. استراتژیک یکی از سه گذرگاه است که در استان دیرالزور سوریه واقع شده است و به لحاظ جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی اهمیت دارد. این منطقه سال ۲۰۱۲ توسط نیروهای معارض سوریه اشغال شد و سال ۲۰۱۴ داعش، منطقه را از دست سایر گروه‌های تروریستی خارج کرد و به عنوان محل تمرکز عملیاتی خود در اختیار گرفت. بوکمال به عنوان مقر فرماندهی داعش عمل می‌کرد و دولت مرکزی سوریه در این منطقه حضور نداشت. نزدیکی به چاه‌های نفت در شرق سوریه بر اهمیت بوکمال افزوده بود و از سوی دیگر این منطقه، محل عملیات ائتلاف بین‌المللی به اصطلاح ضد داعش به فرماندهی آمریکا بود. در حمایت آمریکایی‌ها از داعش همین بس که وقتی داعش شکست خورد و فرار کرد بیشتر نیروهای داعش به سمت مناطق شمال شرق سوریه رفتند که در کنترل نیروهای هم‌پیمان آمریکا بود. داعشی‌ها در همان منطقه از سوی آمریکا و نیروهای متحد سازماندهی شدند و تحت کنترل قرار گرفتند تا بعضاً در جاهای دیگر استفاده شوند. آمریکایی‌ها به وسیله چندین فروند هواپیمای نظامی، داعشی‌ها را از شمال شرق سوریه به افغانستان منتقل کردند که روس‌ها بارها در نشست‌های شورای امنیت نسبت به این مساله اعتراض کردند و آمریکایی‌ها نیز هیچ پاسخی نداشتند. در اوایل جنگ سوریه، جبهه درگیری ارتش سوریه و متحدانش در مناطق جنوب غربی، مرکزی و در شمال غرب سوریه متمرکز شده بود و بنابراین در شرق، عملیات چندان انجام نمی‌شد. اما بعد از این که ارتش سوریه و متحدانش توانستند غرب را پاکسازی کنند به

جناب آقای زرگر مدیر عامل محترم شرکت گوهر تابان

در گذشت فرزندان دلبندتان را تسلیت گفته، از درگاه خداوند برای آن مرحومه غفران و برای بازماندگان صبر و اجر مسالت می‌نمایم.

روزنامه جام جم